

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونگه ولت
نویسنده: یورگ کروناور
فرستنده: نسترن نصرتی
۱۶ می ۲۰۲۳

بیجینگ مسلح می شود

سلسله مقالات درباره جمهوری خلق چین و راه طولانی مبارزه برای عدالت و رفاه.

بخش ۱۲ (و نتیجه گیری): چشم انداز جنگ جهانی.

ایالات متحده در حال حاضر در حال تمرین آن است

بیشرفت و ترقی چین جهان را تغییر داده است. جمهوری خلق نه تنها توانسته خود را از فقر رهانی بخشد. بلکه این کشور که از نظر اقتصادی بشدت رشد یافته است، مدتهاست که به یک فاکتور قدرت در جهان تبدیل شده است که سلطه جهانی غرب را به نبرد فرا می خواند. غرب به این موفقیت چین در زمینه رشد، ترقی و رفاه با حمله شدیدتر واکنش نشان می دهد – با جنگ اقتصادی و با تمرکز نظامی که نگرانی از درگیر شدن در جنگ جهانی سوم را در جهان افزایش داده است.

در مجموعه‌ای دوازده قسمتی یورگ کروناور در یونگه ولت به جنبه های اصلی این تحولات برای برجسته کردن پیامدهای ظهور جمهوری خلق برای روابط بین الملل می پردازد.

جمهوری خلق چین یک هدف معین را از توسعه خود دنبال می کند: تا سال ۲۰۴۹، زمانی که صدمین سالگرد تأسیس آن فرا می رسد، باید پروژه «ساختن یک کشور مدرن سوسیالیستی غنی، قوی، دموکراتیک، پرورش یافته و هماهنگ» به پایان برسد.

این همان چیزی است که کنگره ملی خلق در نومبر ۲۰۱۲ به عنوان یکی از دو هدف قرن اعلام کرد و بیجینگ پیوسته در راستای این امر تلاش می کند.

برای حدود ۱.۴ میلیارد نفری که در چین زندگی می کنند، این یک گام بزرگ به جلو و به نوعی بازگشت به حالت عادی تاریخی خواهد بود – به اشتراک گذاشتن ثروت های جهانی در شرایطی برابر، همانطور که ۲۰۰ سال پیش، قبل از استعمار چنین بود. قبل از آن که قدرت های استعماری شروع به نابودی آن کنند.

اگر چین دوباره موفق و قوی شود، قدرت های استعماری سابق نمی توانند سلطه جهانی را که پس از پایان دوره استعماری رسمی توانسته اند حفظ کنند، اعمال کنند. اما اگر آنها بخواهند دست به چنین کاری بزنند – و این هدف قدرت های امپراتوری است – آنگاه آنها زمان زیادی برای جلوگیری از ظهور و پیشرفت چین نخواهند داشت.

این امید که زمانی در غرب پرورش یافته بود که ظهور سرمایه داران خصوصی در چین می تواند به منافعی متضاد در این کشور تبدیل شده و اختلافات داخلی را شعله ور کند و در نهایت موجب نابودی حزب کمونیست شود محقق نشد. جنگ اقتصادی هم اکنون در حال شدت گرفتن است. اما تردید وجود دارد که آیا برای جلوگیری از پیشرفت بیشتر جمهوری خلق در دراز مدت کافی باشد یا خیر.

اگر این کافی نیست، پس تنها گزینه ای که برای غرب باقی می ماند توسل به خشونت است و ایالات متحده مدت هاست که برای این گزینه آماده شده است.

آنها به طرز چشمگیری دوباره مسلح می شوند، منطقه آسیا و اقیانوسیه را نظامی می کنند، و حتی متحدان اروپائی خود را در استقرار خود در سواحل و دورتر از چین مشارکت می دهند.

سال ها پیش، در کنفرانس آکادمی فدرال سیاست امنیتی (باکس)، صحبت از «حلقه آتش در اطراف چین» ایجاد شده توسط ایالات متحده آمریکا شد که هر لحظه ممکن است شعله ور شود.

اوضاع به حدی خطرناک شده است که در جنوری، جنرال مایکل مینیهان، فرمانده فرماندهی تحرک هوائی ایالات متحده، گفت: «احساس دلم به من می گوید که در سال ۲۰۲۵ با چین خواهیم جنگید.»

نه تنها نیروهای مسلح آمریکا با مانورهای عملی برای جنگ احتمالی - برخی در ایالات متحده آمریکا می گویند - آماده می شوند، ارتش، سازمان های دولتی و اتاق های فکر در ایالات متحده بارها سناریوی به اصطلاح بازی های جنگی، شبیه سازی های تئوریک جنگ را روی صحنه می برند.

نتایج این امر در سال های اخیر برای واشنگتن چندان خوشایند نبوده است: غالباً پیروز شدن در درگیری مسلحانه علیه جمهوری خلق امکان پذیر نبوده است و اگر چنین شده باشد، تنها به قیمت تلفات هنگفت ممکن بوده است. به عنوان مثال، سال گذشته، مرکز مطالعات ستراتژیک و بین المللی واشنگتن (CSIS) یک بازی جنگی را بر اساس این فرض که جمهوری خلق تایوان را به طور نظامی اشغال خواهد کرد، انجام داد.

در بازی شبیه سازی، نیروهای امریکائی و جاپائی موفق شدند بخش قابل توجهی از نیروهای چینی را از تایوان خارج کنند.

با این حال، آنها تعداد زیادی کشتی جنگی را در این فرآیند از دست دادند، پایگاه های نظامی ایالات متحده در جاپان و گوام در اثر طوفان راکت های چینی ویران شدند و ایالات متحده تا ۹۰۰ جت جنگنده را از دست داد. CSIS اطلاعات مربوط به تلفات را مخفی نگه داشته است.

آیا احساس جنرال مینیهان ایالات متحده درست است و تهدید جنگ در حال حاضر در سال ۲۰۲۵ عملی می شود؟ این کاملاً ممکن است. چین نیز خود را مسلح می کند. حداکثر تا سال ۲۰۴۹، نیروهای مسلح این کشور باید به بین قوی ترین نیروهای مسلح جهان پیوسته باشند.

این بدان معنی است که هر سال شانس ایالات متحده برای پیروزی در جنگ علیه چین کاهش می یابد.

جوزف بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده در پائیز گفت که «دهه تعیین کننده» برای واشنگتن در جنگ قدرت علیه بیجینگ آغاز شده است.

حتی در حال حاضر، یک جرعه برای شعله ور شدن ناگهانی «حلقه آتش در اطراف چین» کافی است.

با این حال، این دلیلی برای تسلیم شدن به سرنوشت نیست. «جنگ اجتناب ناپذیر نیست»: این جمع بندی گراهام آلیسون، دانشمند علوم سیاسی امریکائی، در کتاب خود را در مورد جنگ قدرت بین ایالات متحده و چین در سال ۲۰۱۷ است.

آلیسون جنگ تسلیحاتی بین دو قدرت جهانی را کاملاً محتمل می‌دانست: عنوان اثر او «جنگ محتوم» است – بدون علامت سؤال.

اما آلیسون می‌گوید نباید دست روی دست گذاشت و منتظر «جنگ محتوم» ماند و به قول شکسپیر «سرنوشت ما در ستارگان رقم نمی‌خورد، بلکه در دست های خودمان است».